

تقدیر و بررسی ملاک‌های مخالفین

خورزنان در جامعه

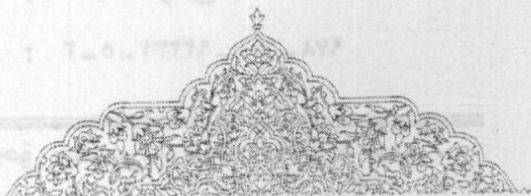


دکتر ایوب رنجبری

(استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

واحد تهران شرق

سهیلا یوسف زاده



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۱	کلیات و مفاهیم
۱۲	۱- مفهوم اشتغال
۱۲	۲- زن از نظر لغت و اصطلاح
۱۲	الف) زن در لغت
۱۳	ب) زن در اصطلاح
۱۳	۳- اجتماع از نظر لغت و اصطلاح
۱۳	الف) از نظر لغت
۱۳	ب) از نظر اصطلاح
۱۴	۴- آسیب شناسی از نظر لغت و اصطلاح
۱۴	الف) از نظر لغت
۱۴	ب) از نظر اصطلاح
۱۵	۵- معنی مخالفت

فصل اول: بررسی دیدگاههای مخالفین حضور زنان در جامعه ۱۷

۱-۱ موانع اشتغال زنان از دیدگاه مخالفان اشتغال زنان در جامعه ۲۰

۱-۱-۱ پایین بودن سطح تحصیلات و مهارت زنان ۲۰

۱-۱-۲ عوامل اجتماعی و خانوادگی ۲۰

۱-۱-۳ بحرانهای اقتصادی ۲۰

۱-۱-۴ عادات، رسوم، سنتها ۲۱

۱-۱-۵ قوانین ناظر بر خانواده ۲۱

۱-۱-۶ مبنای سوء زنان شاغل ۲۲

۱-۲ دلایل مخالفان اشتغال زنان ۲۵

۱-۲-۱ قرآن کریم ۲۵

۱-۲-۲ روایات ۲۶

۱-۳ آسیبهای خانوادگی اشتغال زنان از دیدگاه مخالفان حضور زنان ۲۸

۱-۳-۱ مشکلات عاطفی و تحصیلی فرزندان ۲۸

۱-۳-۲ کاهش ارتباط با اعضای خانواده ۲۸

۱-۳-۳ نرسیدن به شوهر (نارضایتی شوهر) ۲۹

۱-۴ آسیبهای اجتماعی اشتغال زنان از دیدگاه مخالفان حضور زنان ۳۰

۱-۴-۱ کاهش میزان ازدواج ۳۰

۱-۴-۲ خطر ارتباط نامشروع با دیگران ۳۱

۱-۵ آسیبهای فردی اشتغال زنان از دیدگاه مخالفان حضور زنان ۳۲

۱-۵-۱ تحولات هویتی ۳۲

۱-۵-۲ افزایش نگرانیهای تربیتی ۳۲

۱-۵-۳ تغییر الگوی مشارکت اجتماعی زنان ۳۴

۱-۵-۴ افزایش سن ازدواج ۳۴

۱-۵-۵ تحول در سیاستها و قوانین ۳۵

فصل دوم: بررسی ادله‌های مخالفین حضور زنان در جامعه ۳۷

- ۱-۲ ادله اشتغال زن از دیدگاه فقهای عامه ۴۰
- ۱-۲-۱ دلیل اول: آیات قرآن ۴۱
- ۱-۲-۲ دلیل دوم: روایات ۴۲
- ۱-۲-۳ قیاس اولویت ۴۴
- ۱-۲-۴ اصل عملی ۴۴
- ۲-۲ ادله فقها در خصوص اشتغال زنان ۴۴
- ۲-۲-۱ دلایل نقضی ۴۵
- ۲-۲-۱-۱ ادله نقض آیات ۴۵
- ۲-۲-۱-۲ ادله نقض روایات ۵۰
- ۲-۲-۲ دلیل نقضی قیاس اولویت ۵۵
- ۲-۲-۳ دلایل نقضی اصل عملی ۵۶
- ۲-۲-۴ دلایل حلی (اثباتی) حضور و اشتغال زنان در جامعه ۵۷

فصل سوم: نقد و بررسی ادله‌های مخالفین و موافقین حضور زنان در جامعه ۶۱

- ۳-۱ نگرشهای مختلف در خصوص اشتغال زنان در بیرون از منزل ۶۳
- ۳-۲ اشتغال زنان در مناصب سیاسی در جامعه کنونی ۷۲
- ۱-۲-۳ موافقان حضور زنان در مناصب سیاسی ۷۲
- ۲-۲-۳ دلایل مخالفان حضور زنان در عرصه سیاست ۷۳
- ۳-۳ پاسخ موافقان حضور زنان در جامعه به ادله مخالفان حضور زنان ۷۶
- ۴-۳ ادله موافقان اشتغال زنان در برابر ادله مخالفان اشتغال ۷۸
- ۱-۴-۳ دلایل نقضی ۷۸
- ۱-۴-۳-۱ ادله نقضی آیات قرآن ۷۸
- ۱-۴-۳-۲ ادله نقضی روایات ۸۲

۳-۲ دلایل اثباتی ۸۴

۳-۲-۱ قرآن کریم ۸۴

۳-۲-۲ سنت ۸۷

نتیجه گیری: ۸۹

پیشنهادهات ۹۰

منابع و مأخذ ۹۱

الف) کتب ۹۱

ج) منابع اینترنتی ۹۵

مقدمه

این موضوع که زنان هم در ابعاد جسمی و هم از جهت روانی و رفتاری با مردان تفاوت دارند از بدیهیات است چرا که زنان به دلیل ایفای نقش‌های متعدد در خانواده، مانند نقش همسری و مادری و مدیریت خانواده، که دارای شرایط خاص تری نسبت به مردان هستند و پذیرفتن اشتغال از سوی آن‌ها در حقیقت مسئولیتی مضاعف برای ایشان می‌باشد. البته اشتغال زنان می‌تواند برای آن‌ها پیامدهای مثبت و منفی زیادی داشته باشد و لیکن با توجه به اهمیت و جایگاه و نقش بی‌بدیل خانوادگی ایشان باید به گونه‌ای باشد که به کانون گرم خانواده لطمه وارد نکرده و حتی ایشان باید پیامدهایی که خانواده را تهدید می‌کند، را کاهش داد.

مبنای قانون گذاری و سیاست گذاری در هر کشور و نظام اجتماعی از جمله ایران قانون اساسی است؛ لذا سیاست گذاری اجتماعی ملزم به رعایت مفاد آن در سیاستها و قوانین در همه‌ی حوزه‌ها خواهد بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت موظف به زمینه سازی و فراهم نمودن فرصت‌های دستیابی به مشاغل برای زنان و مردان به طور یکسان با رعایت موازین اسلامی و با توجه به نیازهای جامعه به مشاغل گوناگون می‌باشد. در اصل ۲۸ قانون اساسی آمده است: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه‌ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

در اصل ۲۱ قانون اساسی نیز ضمن توجه به حقوق اجتماعی مشترک بین زن و مرد، توجه به ویژگیهای زنان و درک موقعیت‌های زن بودن، همسری و مادری را در عرصه‌های سیاستگذاری و قانونگذاری ضروری می‌شمارد که عبارتند از:

- ۱- «ایجاد زمینه‌های مساعد برای شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او».
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست و...»

در این میان نیز عده‌ای از دانشمندان از حضور زنان در جامعه و اشتغال آنها رنج برده و مخالف حضور آنها می‌باشند و آنها نیز برای مخالفت خود دلایلی را ابراز می‌کنند که در این تحقیق پایانی به بررسی علل و عواملی که مخالفان در خصوص اشتغال زنان دارند و دلایل آنها آورده بر اثر اشتغال زنان مورد تحقیق و بررسی جامع قرار گرفته است.

کلیات و مفاهیم

امروزه کسی نمی‌تواند نقش کاربردی زنان را در جامعه انکار کند چرا که زنان نیمی از پیکر اجتماع را تشکیل داده و نقش او را در رشد و تعالی انسان و جامعه انسانی مهم تلقی کردن و بسیاری از چرخه‌های اقتصادی، آموزشی، تربیتی، اخلاقی و خدماتی با دستان توانمند آنها به حرکت در می‌آید، این واقعیتی انکار ناپذیر است و می‌توان گفت عدم حضور زن در بعضی مشاغل می‌تواند به پیکر جامعه صدمه بزند در متون دینی و منابع اسلامی برخی افراد این موضوع را دستاویز حمله به مسلمانان قرار داده‌اند و با پیدایش فمینیسم این حملات دو چندان شده است اما در مقابل تعدادی از دانشمندان مسلمان در دفاع از حقوق زن سخن‌ها گفته‌اند در میان این سخن‌ها حرکت، امام خمینی (رحمه الله)، شهید مطهری و آیت الله آملی را می‌توان نام برد. حتی در این رابطه بعضی از دینداران نقش زن را محدود به نقش مادری و همسری می‌دانند و تصور می‌کنند وظیفه زن محدود به این دو نقش بوده و حق حضور در اجتماع و انجام مسئولیت‌های دیگر را ندارد. ولی زن محدود به این نقش نبوده و حق حضور در اجتماع و انجام مسئولیت‌های دیگر را ندارد در مقابل عده‌ای نیز معتقدند به زن علاوه بر نقش مادری و همسری توانایی و صلاحیت انجام سایر نقش‌های اجتماعی را دارد و این حضور علاوه بر پیامدهای مثبت دارای آسیب‌ها و خطراتی است که او را تهدید می‌کند از جمله آسیب‌های فردی مثل صدمات جسمانی، روحی و خستگی و نیز آسیب‌های خانوادگی مثل رشد مشکلات عاطفی فرزندان و کاهش ارتباط با اعضای خانواده و ... و نیز آسیب‌های اجتماعی مثل کاهش میزان ازدواج و خطر ارتباط نامشروع. این تحقیق در صدد بیان نظریان مخالفان حضور زنان در جامعه می‌باشد و سپس به نقد و بررسی این نظرات می‌پردازد، علاوه بر آن

ضرورت حضور زن در اجتماع از دیدگاه قرآن تحلیل و آداب حضور او را از دیدگاه شریعت بیان می‌کنند.

۱- مفهوم اشتغال

اشتغال: انجام دادن کاری در راستای برآورده کردن نیازهای زندگی.^۱

اشتغال کامل به این معناست که هر کسی که به دنبال کار است از ساعات کاری که به آن نیاز دارند را با «دستمزدهای منصفانه» برخوردار باشند. از آنجا که مردم کارشان را عوض می‌کنند اشتغال کامل به این معناست که نرخ بیکاری پایدار در حدود ۱ تا ۲ درصد کل نیروی کار باشد ولی این به معنای کم اشتغالی که در آن کارگران پاره وقت نمی‌توانند از ساعاتی که برای یک زندگی شایسته به آن نیازمندند برخوردار باشند نیست. در اقتصاد کلان، اشتغال کامل گاهی به صورت سطحی از بیکاری که در آن بیکاری، ادواری وجود ندارد تعریف می‌شود.^۲

۲- زن از نظر لغت و اصطلاح

الف) زن در لغت

زن نقیض مرد باشد. مطلق فردی از افراد اناث خواه منکوحه باشد و خواه غیر منکوحه. مادینه انسان. بشر ماده. امراء. مقابل مرد. مقابل رجل. انسان و ماده‌ای از نوع بشر و مرء و نساء و خاتون و بانو، زنان. مادینه از آدی. با ژینای یونانی از یک اصل است. پهلوی «ژن» (زن. زوجه)، اوستا «جنی» و «جنی» ... هندی باستان «جنی» و «جنی» (زن، زوجه)، ارمنی «کین» (زن، بانو)، کردی «ژین» (زن) ...، افغانی «جینه» ای و «جونه‌ای»، بلوچی «جن» و «غین»، سریکلی «غین» و «ژین»، منجی «ژینگا» و اورامانی «ژن». زن پاراو، چون بیابد بوق سر ز شادی کشد سوی عیوق.^۳

۱ - علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشار و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۹۰.

۲ - شهلا باقری، اشتغال زنان در ایران (درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته)، چاپ دوم، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۲، ص ۶.

۳ - علی اکبر، دهخدا، همان، ذیل واژه زن، ص ۸۱۰.

ب) زن در اصطلاح

به انسان ماده زن گفته می‌شود. واژه‌ی دختر بیشتر برای افراد جوان یا نابالغ به کار برده می‌شود و در برابر آن، واژه زن یا بانو (نام ارجمندانه تر) برای افراد بالغ استفاده می‌شود. واژه‌های دیگری چون «خانم»، و در کاربرد قدیمی‌تر «خاتون» در زبان فارسی برای اشاره به زن کاربرد دارد که از این میان واژه «خانم» بسامد بیشتری داشته و ارجمندانه است. در فرهنگ و ادب فارسی برای محترمانه خطاب کردن، از واژه سرکار خانم نیز استفاده می‌شود. در واقع واژه‌ی زن یک نام همگن برای اشاره به انسان ماده است مانند «حقوق زنان».

به‌طور معمول یک زن بالغ، توانایی بارداری و زادن دارد. زن جوان ازدواج نکرده را دوشیزه و زن ازدواج کرده را زن متأهل یا بانو می‌خوانند. به زنی که دارای فرزند شده است، مادر گفته می‌شود.^۱

۳- اجتماع از نظر لغت و اصطلاح

الف) از نظر لغت

اجتماع، گرد آمدن. تجمع. اجماع. فراهم آمدن، انجمن شدن فراهم آمدن.^۲

ب) از نظر اصطلاح

اجتماع که با نام‌های باهم‌یستان، یا هم‌دارگان نیز شناخته می‌شود. به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که دارای ارزشی‌هایی واحدند. جامعه‌شناس آلمانی،

۱- رضا، محمدیان، ریشه‌یابی اصطلاح زن، مجله حقوق، شماره ۱۱، ۱۳۸۹، ص ۲۳.

۲- علی اکبر، همان، ص ۱۳۴.

فردیناند تونسین این مفهوم را در برابر مفهوم جامعه به کار گرفت تا تفاوت آن دو را بنماید. واژه «Community» معنای اجتماع از ریشه لاتین «Communis» به معنای مشارکت عامه گرفته شده است. در زبان فارسی اصطلاح اجتماع از زبان عربی اخذ شده و به معانی جماعت، انبوهی، اشتراک، وفاق عمومی و شباهت زیستی گروهی از جانوران یا گیاهان یک منطقه جغرافیایی با شرایط مساوی به کار رفته است.^۱

۴- آسیب شناسی از نظر لغت و اصطلاح

الف) از نظر لغت

بر اساس تعریف فرهنگ پیرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیسم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است.^۲

ب) از نظر اصطلاح

اصطلاح آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده و به تبع آن در ادبیات دینی نیز بیش از یک سده است که مورد توجه اصلاح طلبان مسلمان قرار گرفته است.^۳

۱ - محمدآراسته‌خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمیا اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر جنگل، ۱۳۷۰، ص ۴۷.

۲ - آ.اس. هورنای، فرهنگ پیشرفته آکسفورد، چاپ نهم، تهران: موسسه نشر جهان دانش، ۱۳۸۲، ص ۹۲۸.

۳ - محمد، اسفندیاری، آسیب شناسی دینی (پژوهشهایی درباره اسلام شناسی و جامعه شناسی)، چاپ اول، قم، انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۸۴، ص ۷.

آشنایی با مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی روشن می‌کند که آسیب‌شناسی دینی در صدد مطالعه، شناخت، پیشگیری از کجروی و جلوگیری از بازگشت مجدد بحران‌هایی است که با انتظار منطقی از دین، جامعه دینی و ماهیت اسلام سازگاری ندارد. بنابراین آسیب‌شناسی دینی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «آسیب‌شناسی دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است که وارد شود.»

۵- معنی مخالفت

اختلاف، اعراض، خصومت، خطاب، دشمنی، ستیزه، سرزنش، سرکشی، ضدیت، طغیان، عتاب، عداوت، بیان، عناد، معاندت، نافرمانی، نقاضت $\neq$ موافقت.^۱